

## متن پرسش

سلام علیکم استاد: ببخشید چند سوالی داشتم خدمتتان عرض می‌کنم: ۱. می‌خواستم در مورد توحید افعالی و قضا و قدر بپرسم: سوالاتی که بیشتر پرسیده شد بیشتر مورد بحث جبر و اختیار خود شخص بوده ولی من بعد اجتماعی آن را مدنظر دارم: فرض کنیم فرد الف از فرد ب میزانی پول قرض کرده و باید تا مؤد مقرر بدهد و آن پول را هم داشته باشد حال اینکه بدهد یا ندهد برای فرد الف اختیاری است یعنی خدا به این فرد اجازه را داده که قرض را ادا کند ولی با اختیار خود ادا نمی‌کند و این پس ندادن پول به فرد ب. جبرا باعث مشکل مالی فرد ب می‌شود و عامل امتحان و ابتلا فرد ب است یعنی می‌خواهم بگویم که تاثیر عمل اختیاری فرد الف بر فرد ب جبری است. ۱. در واقع خیلی از رفتارها و تاثیرات دیگران بر ما جبری است و از اراده ما خارج ولی رفتار ما در پاسخ به دیگران اختیاری است؟ ۲. اگر یزید با اختیار خود شقی نمی‌شد و با اختیار خود دستور حمله را نمی‌داد خدا چطور از امام حسین (ع) امتحان می‌گرفت؟ آیا واقعه عاشورا رخ نمی‌داد؟ ۳. اعیان ثابت علم به سرانجام فرد یا استعداد بالقوه (که ممکنه نرسد) یا جبر است؟ ۴. مرگ و زندگی دست خداست حال اگر فردی دیگری را به قتل برساند مرگ آن شخص مطابق با قضا و قدر و علم خداوند (جبر) بوده ولی قاتل دارای اختیار بوده اگر بخواهیم از نگاه توحید افعالی به این موضوع بنگریم آیا درست است که بگویم که خدا از روز ازل علم به این استعداد آدم کشی آن شخص دارد و باید شخص را در معرض امتحان قرار دهد تا آن استعداد را بروز بدهد و هم می‌داند که بروز می‌دهد بنابراین به نحوی آن دو فرد را کنار هم قرار داده تا هم قاتل استعداد آدم کشی خود را بروز دهد و هم مقتول طبق علم خدا مرگش فرا رسد؟ ۵. طبق فرمایش آیت الله بهجت همه ما ها شمر بالقوه ایم یعنی چه؟ ۶. من جایی خواندم یکی از اولیا گفته همه از آخر می‌ترسند ولی من از اول آیا این نشان از جبری بودن عاقبت نیست؟ ۷. من جایی شنیدم که گفتن امتحان برای نشان دان و بروز دادن سر شخص است آیا این با آن هدف سازندگی و رشد امتحان تناقض ندارد؟ ۸. استعداد های بالقوه و (سر) ما در کجا شکل گرفت و آیا قابل تغییر هستند؟ استاد ببخشید مطالب زیاد و پراکنده شد. در پناه حق

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این موارد باید چند بحث را جمع کرد. یکی تقدیراتی را که هر کس دارد و دیگر انسان در دل تقدیرات، اختیاراتش را شکل می‌دهد و سوم، بحث نظام احسن عالم است که لازمه‌ی هر کدام از این مباحث، مطالعات طولانی نیاز دارد و در محدوده‌ی سؤال و جواب نمی‌گنجد. بد

نیست از کتاب «عدل الهی» و انسان و سرنوشت از مرحوم شهید مطهری شروع فرمایید. موفق باشید